شنبه ۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۴۱۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تنزل محبوبیت آمریکا در بین کشورهای خاورمیانه پس از عملیات ۷ اکتبر

آمریکا در حال از دست دادن دنیای عرب است

سجاد عطازاده
مترجم

مایکل رابینز (مدیر موسسه نظرسنجی Arab barometer)، آمنه ای. جمال استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه پرینستون و از مسئولان Arab barometer و مارک تسلر، استاد علوم سیاسی در دانشگاه پرینستون و از مسئولان Arab barometer در مقاله‌ای با عنوان «آمریکا در حال از دست دادن دنیای عرب است؛ و چین منافع حاصله را برداشت می‌کند» که در شماره جولای/آگوست ۲۰۲۴ نشریه فارن‌افرز منتشر شده است به طرح این گزاره پرداخته‌اند که مطابق با نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط موسسه آنان، محبوبیت واشنگتن در دنیای عرب پس از عملیات طوفان الاقصی به‌شدت تنزل یافته است. آنان این هشدار را نیز صادر می‌کنند که این کاهش محبوبیت سبب خواهد شد تا کشورهای عربی نتوانند در برنامه‌های آتی ایالات متحده برای آنچه صلح‌سازی در غرب آسیا خوانده می‌شود، همکاری کنند. نکته بسیار مهم این است که این تنزل محبوبیت همراه با افزایش نظر مثبت اعراب نسبت به چین بوده است.

۷ اکتبر ۲۰۲۳، نه‌تنها برای اسرائیل، بلکه برای کل جهان عرب یک نقطه عطف به شمار می‌رود. حمله «هولناک» حماس درست زمانی رخ داد که به نظر می‌رسید نظم جدیدی در منطقه در حال ظهور است. سه سال قبل از این حمله، چهار عضو اتحادیه عرب- بحرین، مراکش، سودان و امارات متحده عربی- فرآیندهای عادی‌سازی روابط دیپلماتیک خود با اسرائیل را آغاز کرده بودند. با نزدیک شدن به پایان تابستان ۲۰۲۳ هم به نظر می‌رسید مهم‌ترین کشور عربی که هنوز اسرائیل را به رسمیت نشناخته است، یعنی عربستان سعودی، نیز آماده انجام این کار است.

حمله حماس و متعاقب آن عملیات ویرانگر نظامی اسرائیل در غزه، این مسیر عادی‌سازی را مسدود کرده است. عربستان سعودی اعلام کرده است تا زمانی که اسرائیل گام‌های روشنی را برای تسهیل تشکیل کشور فلسطین برندارد، به توافق عادی‌سازی ادامه نخواهد داد. اردن در نوامبر ۲۰۲۳ سفیر خود را از اسرائیل فراخواند و سفر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به مراکش که برای اواخر سال ۲۰۲۳ برنامه‌ریزی شده بود، لغو گشت. رهبران عرب با احتیاط نظاره‌گر مخالفت شهروندان خود با جنگ غزه بوده‌اند. در بسیاری از کشورهای عربی، هزاران نفر با حضور در خیابان‌ها به جنگ اسرائیل و بحران انسانی ناشی از آن اعتراض کرده‌اند. معترضان در اردن و مراکش هم خواستار پایان دادن به معاهدات صلح کشورهایشان با اسرائیل شده و از اینکه دولت‌هایشان به حرف مردم خود گوش نمی‌دهند، ابراز ناامیدی کرده‌اند.

۷ اکتبر می‌تواند برای ایالات متحده نیز یک نقطه عطف باشد. به دلیل جنگ در غزه، افکار عمومی اعراب به‌شدت علیه متحد سرسخت اسرائیل، ایالات متحده، متحول شده است؛ تحولی که می‌تواند تلاش‌های ایالات متحده را نه‌تنها برای کمک به حل بحران غزه، بلکه برای مهار ایران و عقب راندن نفوذ فزاینده چین در خاورمیانه نیز مختل کند. از سال ۲۰۰۶ Arab Barometer موسسه تحقیقاتی غیرحزبی که ما مسئولیت اداره آن را برعهده داریم، نظرسنجی‌های ملی را هر دو سال یک‌بار در ۱۶ کشور عربی انجام داده است تا در منطقه‌ای که افکارسنجی‌های چندانی در آن وجود ندارد، دیدگاه‌های شهروندان معمولی را ثبت کند. نظرسنجی‌های دیگر انجام‌شده پس از حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ به‌طور مداوم نشان از آن داشت که تعداد کمی از شهروندان عادی عرب دیدگاه مثبتی نسبت به ایالات متحده دارند. با این حال تا سال ۲۰۲۲، نگرش آنها تا حدودی بهبود یافته بود، به‌طوری‌که حداقل یک‌سوم از پاسخ‌دهندگان در تقریبا همه کشورهایی که در نظرسنجی‌های Arab Barometer مورد بررسی قرار گرفته بودند، اعلام کردند که نظر «بسیار مساعد» یا «تا حدودی مساعد» نسبت به ایالات متحده دارند.

اما نظرسنجی‌هایی که ما در اواخر سال ۲۰۲۳ و اوایل سال ۲۰۲۴ در پنج کشور انجام داده‌ایم نشان می‌دهد که جایگاه ایالات متحده در میان شهروندان عرب به طرز چشمگیری تنزل یافته است. یک نظرسنجی انجام‌شده در تونس که قسمتی از آن قبل از حمله ۷ اکتبر و بخشی دیگر پس از این حمله انجام شده، حاکی از آن است که این تغییر در واکنش به رویدادهای غزه رخ داده است. در این میان، نکته شاید تعجب‌آورتر این باشد که این نظرسنجی‌ها همچنین به‌وضوح نشان می‌دهند ضربه دیدن ایالات متحده همراه با بهبود جایگاه چین بوده است. دیدگاه شهروندان عرب نسبت به چین در نظرسنجی‌های اخیر ما مطلوب‌تر شده است و روند نیم‌دهه‌ای تضعیف حمایت از چین در جهان عرب اکنون معکوس شده است. با این حال، در پاسخ به این سوال که آیا چین تلاش‌های جدی برای حمایت از حقوق فلسطینی‌ها انجام داده است، تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی داشتند. این نتیجه نشان می‌دهد که دیدگاه‌های اعراب بیشتر از آنکه حامی سیاست‌های چین در قبال غزه باشد، نشان‌دهنده نارضایتی عمیق از ایالات متحده است.

در ماه‌ها و سال‌های آینده، رهبران ایالات متحده به دنبال پایان دادن به درگیری در غزه و آغاز مذاکرات برای حل‌وفصل دائمی مناقشه اسرائیل و فلسطین خواهند بود. ایالات متحده همچنین امیدوار است با حفاظت از دریای سرخ در برابر حملات نیروهای نیابتی ایران، از اقتصاد بین‌الملل محافظت کند و اتحاد منطقه‌ای را با هدف مهار تجاوزات ایران و محدود ساختن تعامل چین با خاورمیانه ایجاد کند. با این حال، برای دستیابی به هر یک از این اهداف، واشنگتن به مشارکت کشورهای عربی نیاز دارد؛ اما اگر اعراب نسبت به اهداف آمریکا در خاورمیانه بدبین باشند، دستیابی به این هدف دشوار خواهد بود.

تحلیلگران و سیاستمداران آمریکایی اغلب معتقد هستند آنچه آنها گاهی اوقات از سر تحقیر از آن با عنوان «خیابان عربی» یاد می‌کنند، نباید برای سیاست خارجی آمریکا اهمیت چندانی داشته باشد؛ زیرا بیشتر رهبران عرب اقتدارگرا هستند و به افکار عمومی اهمیت چندانی نمی‌دهند. [براساس این خوانش] سیاستگذاران ایالات متحده باید معامله با صاحبان قدرت را بر جلب قلب و ذهن شهروندان عرب اولویت دهند. با این حال این تصور که افکار عمومی رهبران عرب را محدود نمی‌کنند یک افسانه است. قیام‌های بهار عربی باعث سرنگونی دولت‌ها در چهار کشور شد و اعتراضات گسترده در سال ۲۰۱۹ نیز تغییر در رهبری چهار کشور عربی دیگر را به دنبال داشت. اقتدارگرایان نیز باید نظرات مردمی را که بر آنها حکومت می‌کنند درنظر بگیرند. اکنون تعداد کمی از رهبران عرب، با توجه به افزایش شدید احساسات ضدآمریکایی در میان مردمی که بر آنها حکومت می‌کنند، تمایل به همکاری آشکار با واشنگتن دارند. خشم شهروندان عرب از سیاست خارجی ایالات متحده می‌تواند پیامدهای مستقیم جدی برای ایالات متحده داشته باشد. تحقیقات قبلی ما براساس داده‌های نظرسنجی‌های انجام‌شده در الجزایر و اردن حاکی از آن است که خشم از سیاست خارجی ایالات متحده می‌تواند باعث همدردی شهروندان با اقدامات تروریستی علیه ایالات متحده شود.

با این حال، برخی از یافته‌های Arab Barometer حاکی از این نکته نیز است که شک و تردید فزاینده اعراب درباره نقش ایالات متحده در خاورمیانه برگشت‌ناپذیر هم نیست. اختلاف نظر بین مردم در کشورهایی که ایالات متحده با آنها رفتار متفاوتی داشته است، نشان می‌دهد که واشنگتن می‌تواند با تغییر سیاست، دیدگاه‌های موجود نسبت به خود را در جهان عرب تغییر دهد. براساس نتایج نظرسنجی‌های انجام‌شده همچنین به راهکارهایی برای بهبود ادراک اعراب از آمریکا رسیده‌ایم؛ فشار بیشتر برای آتش‌بس در غزه، افزایش کمک‌های بشردوستانه ایالات متحده به غزه و سایر مناطق و همچنین کار برای نیل به راه‌حل ۲ دولتی در بلندمدت. درنهایت، برای جلب اعتماد شهروندان عرب در خاورمیانه، ایالات متحده باید همان توجهی را که به رنج اسرائیلی‌ها نشان می‌دهد، نسبت به فلسطینی‌ها نیز قائل باشد.

در همه نظرسنجی‌های انجام‌گرفته از سوی Arab Barometer بیش از ۱۲۰۰ نفر شرکت می‌کنند؛ به‌علاوه این نظرسنجی‌ها در محل زندگی اشخاص انجام می‌شوند. در نظرسنجی‌های مذکور دیدگاه‌های افراد درباره طیف وسیعی از موضوعات، ازجمله مسائل اقتصادی و مذهبی، نظرات‌شان درباره دولت‌های متبوع، مشارکت سیاسی، حقوق زنان، محیط زیست و امور بین‌الملل مورد پرسش قرار می‌گیرد. Arab Barometer از ۷ اکتبر در پنج کشور نظرسنجی انجام داده است؛ اردن، کویت، لبنان، موریتانی و مراکش.

ازآنجایی‌که دور قبلی بررسی‌های Arab Barometer در این کشورها بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ انجام شده است، شاید عواملی غیر از جنگ غزه در تغییر نظرات افکار عمومی در حدفاصل این دو دوره نقش داشته باشند؛ اما یک نظرسنجی دیگر معیار ارزشمندی را در اختیار ما قرار داد تا بر مبنای آن به این نتیجه برسیم که برخی تغییرات کلیدی در نظرات پاسخ‌دهندگان احتمالا همین اخیرا اتفاق افتاده است. بین ۱۳ سپتامبر و ۴ نوامبر ۲۰۲۳، یک نظرسنجی برنامه‌ریزی شده در تونس انجام دادیم که شامل ۲۴۰۶ مصاحبه بود. حدود نیمی از این مصاحبه‌ها قبل از ۷ اکتبر و حدود نیمی بعد از آن انجام شده بودند. برای درک اینکه چگونه دیدگاه‌های تونسی‌ها بعد از ۷ اکتبر تغییر کرد، میانگین پاسخ‌ها را در طول سه هفته قبل از حمله حماس محاسبه و سپس تغییرات روزانه را در هفته‌های بعد دنبال کردیم. نتیجه حاصله کاهش سریع و شدید درصد پاسخ‌دهندگانی بود که دیدگاه مثبتی نسبت به آمریکا داشتند؛ ایالات متحده. نتایج در اکثر کشورهای دیگری که در سال‌های ۲۲-۲۰۲۱ و پس از ۷ اکتبر مورد بررسی قرار دادیم، از الگوی مشابهی پیروی کردند؛ در همه کشورها به جز یکی، دیدگاه‌ها نسبت به ایالات متحده نیز به‌طور قابل توجهی کاهش یافت.

با وجود وحشت حمله حماس، تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان Arab Barometer موافق نامیدن آن به‌عنوان یک «اقدام تروریستی» بودند. در مقابل، اکثریت قریب به اتفاق موافق بودند که کارزار اسرائیل در غزه باید به‌عنوان تروریسم طبقه‌بندی شود. اکثر شهروندان عربی که پس از ۷ اکتبر موردمطالعه قرار گرفتند، وضعیت غزه را وخیم ارزیابی کردند. هنگامی‌که آنها در معرض این سوال قرار گرفتند که از بین ۷ کلمه مختلف، ازجمله «جنگ»، «خصومت»، «قتل‌عام» و «نسل‌کشی»، بهترین توصیف را از وقایع غزه ارائه دهند، رایج‌ترین واژه‌ای که پاسخ‌دهندگان در همه کشورها به جز یک کشور انتخاب کردند، «نسل‌کشی» بود. فقط در مراکش بود که تعداد قابل‌توجهی از پاسخ‌دهندگان -۲۴ درصد- این رویدادها را «جنگ» نامیدند؛ البته تقریبا به همین اندازه از مراکشی‌ها هم آن را «قتل‌عام» نامیدند. در تمامی کشورهای دیگر، کمتر از ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، «جنگ» را برای توصیف آنچه در غزه اتفاق می‌افتد انتخاب کردند.

نمودار ۱ پاسخ‌دهندگان دارای نظر مثبت نسبت به ایالات متحده

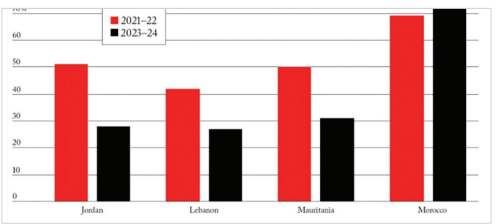

علاوه‌بر این، بررسی‌های Arab Barometer نشان داد که شهروندان عرب باور ندارند بازیگران غربی در حال دفاع از غزه هستند. در این نظرسنجی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شده بود که به نظر آنها کدام یکی از بازیگران متعهد به دفاع از حقوق فلسطینی‌ها هستند؟ پاسخ‌دهندگان این امکان را داشتند که از بین ۱۰ کشور، اتحادیه اروپا و سازمان ملل دست به انتخاب بزنند. بیشترین میزانی که در کشورها اعتقاد داشتند سازمان ملل از حقوق فلسطینیان دفاع می‌کند، تنها ۱۷ درصد بود. این میزان نسبت به اتحادیه اروپا حتی کمتر هم بود اما بدترین وضعیت را در این میان آمریکا داشت؛ تنها هشت درصد از پاسخ‌دهندگان در کویت، شش درصد در مراکش و لبنان، پنج درصد در موریتانی و دو درصد در اردن موافق این گزاره بودند که واشنگتن از فلسطینی‌ها دفاع می‌کند. در مقابل، در پاسخ به این سوال که آیا ایالات متحده از حقوق اسرائیل محافظت می‌کند، بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در هر پنج کشور موافق بودند که این‌گونه است. این میزان بسیار بیشتر از درصد پاسخ‌دهندگانی بود که موافق دفاع اتحادیه اروپا یا سازمان ملل از اسرائیل بودند.

به نظر می‌رسد تصورات موجود در جهان عرب درباره عملیات در غزه و رویکرد ایالات متحده در قبال آن، پیامدهای عمده‌ای برای شهرت کلی ایالات متحده هم داشته است. در ۹ کشور از ۱۰ کشوری که Arab Barometer در سال ۲۰۲۱ در آنها سوالاتی را درباره مطلوبیت ایالات متحده مطرح کرده بود، حداقل یک‌سوم از کل پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که دیدگاه مطلوبی نسبت به ایالات متحده دارند. با این حال، در چهار کشور از پنج کشور مورد بررسی بین دسامبر ۲۰۲۳ و مارس ۲۰۲۴، کمتر از یک‌سوم نظر مثبتی نسبت به ایالات متحده داشتند. در اردن، درصد پاسخ‌دهندگانی که به ایالات متحده نگاه مثبت داشتند، به‌طور چشمگیری کاهش یافته و از ۵۱ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۲۸ درصد در نظرسنجی انجام شده در زمستان ۲۰۲۴-۲۰۲۳ رسید. در موریتانی، درصد پاسخ‌دهندگانی که ایالات متحده را مثبت ارزیابی کردند از ۵۰ درصد در نظرسنجی انجام‌شده در زمستان ۲۰۲۲-۲۰۲۱ به ۳۱ درصد در نظرسنجی انجام‌شده در زمستان ۲۰۲۴-۲۰۲۳ کاهش یافت و در لبنان نیز از ۴۲ درصد در زمستان ۲۰۲۲-۲۰۲۱ به ۲۷ درصد در اوایل سال ۲۰۲۴ تنزل یافت. در همین مدت درصد پاسخ‌دهندگانی که موافق «خوب» یا «بسیارخوب» بودن سیاست خارجی جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده بودند، ۱۲ نمره در لبنان و ۹ نمره در اردن کاهش یافت.

زمان بررسی ما در تونس قویا حاکی از آن است که لشکرکشی اسرائیل به غزه باعث این نزول کلی شده است. در سه هفته قبل از ۷ اکتبر، ۴۰ درصد تونسی‌ها اظهار داشته بودند که دیدگاه مطلوبی نسبت به ایالات متحده دارند؛ اما در ۲۷ اکتبر، یعنی سه هفته پس از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در غزه، تنها ۱۰ درصد از مردم این کشور همچنان همین نظر را داشتند.

البته اگرچه نظر [مثبت] اعراب نسبت به ایالات متحده و بایدن پس از ۷ اکتبر کاهش یافته بود، اما دیدگاه‌ها درباره جنبه‌های مختلف تعامل ایالات متحده با خاورمیانه همه به یک اندازه دستخوش این تغییر نشده بود. میزان موافقت پاسخ‌دهندگان ما با تحکیم ابتکارات آموزشی کشورشان براثر کمک‌های ایالات متحده یا تقویت جامعه مدنی در کشورهای آنها با کمک‌های واشنگتن قبل و بعد از ۷ اکتبر تغییر چندانی نکرده بود. درواقع، نظرات پاسخ‌دهندگان در اردن، موریتانی و مراکش در نظرسنجی زمستان ۲۰۲۴-۲۰۲۳ ما نسبت به تحکیم جامعه مدنی کشورهای آنها براثر اقدامات آمریکا نسبت به نظرسنجی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ کمی هم افزایش‌یافته بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مخالفت با سیاست‌های دولت ایالات متحده در قبال اسرائیل و جنگ در غزه، و نه سایر عناصر سیاست خارجی واشنگتن، باعث کاهش اعتبار منطقه‌ای ایالات متحده می‌شود.

مزایای جانبی

چین علی‌رغم حمایت مادی و لفظی محدود از غزه، ذی‌نفع اصلی تنزل شهرت ایالات متحده در میان اعراب بوده است. در بررسی‌های انجام شده توسط Arab Barometer در نظرسنجی‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ مشخص شده بود که پشتیبانی اعراب از چین در حال کاهش است؛ اما در ماه‌های اخیر این روند معکوس شده است. در تمام کشورهایی که پس از ۷ اکتبر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، حداقل نیمی از پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که دیدگاه مثبتی نسبت به چین دارند. هم در اردن و هم در مراکش، دو متحد کلیدی ایالات متحده، چین از افزایش حداقل ۱۵ امتیازی در رتبه‌بندی مطلوبیت خود بهره‌مند شده است.

پاسخ‌دهندگان در سه کشور از پنج کشوری که پس از ۷ اکتبر مورد بررسی قرار گرفتند، در پاسخ به این سوال که کدام‌یک از سیاست‌های ایالات متحده یا چین برای امنیت خاورمیانه بهتر است، اظهار داشتند که رویکرد چین را ترجیح می‌دهند. حضور واقعی چین در خاورمیانه حداقلی بوده است؛ زیرا تعامل آن بیشتر بر معاملات اقتصادی از طریق ابتکار کمربند- جاده متمرکز شده است. البته به نظر می‌رسد افکار عمومی عرب در خاورمیانه بر این نکته واقف هستند که چین نقش محدودی در وقایع غزه ایفا کرده است؛ کما اینکه تنها ۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان لبنانی، ۱۳ درصد از مراکشی‌ها، ۹ درصد از کویتی‌ها، ۷ درصد از اردنی‌ها و ۳ درصد اندک و در حال کاهش پاسخ‌دهندگان اهل موریتانی اظهار داشتند که چین متعهد به دفاع از حقوق فلسطینی‌هاست.

نمودار ۲ کدام کشور سیاست‌های بهتری برای حفظ امنیت خاورمیانه دارد؟

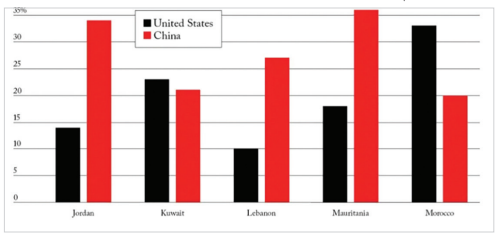

بنابراین این احتمال وجود دارد که دیدگاه‌های مثبت فزاینده پاسخ‌دهندگان نسبت به چین حاکی از نارضایتی آنها از سیاست‌های ایالات متحده و غرب باشد. البته هنگامی‌که سوالات سیاستی خاص‌تری از آنها پرسیده شد، پاسخ‌دهندگان ما جواب‌های متفاوت‌تری ارائه دادند. بسیاری از کویتی‌ها، موریتانیایی‌ها و مراکشی‌ها زمانی که در برابر این پرسش قرار گرفتند که در «حفاظت از حقوق و آزادی‌ها» سیاست‌های چین بهتر از آمریکاست، سیاست‌های آمریکا بهتر از چین است یا سیاست‌های این دو به یک اندازه بد است، اظهار داشتند که سیاست‌های ایالات متحده بهتر از سیاست‌های چین است. البته پاسخ‌دهندگان در دو کشور هم‌مرز با اسرائیل نظر برعکسی را داشتند؛ در نظرسنجی‌های انجام‌گرفته از سوی Arab Barometer در اردن و لبنان پس از ۷ اکتبر، تعداد بیشتری از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که سیاست‌های چین در حمایت از حقوق و آزادی‌ها بهتر از ایالات متحده است. سابقه چین در حمایت از حقوق و آزادی‌ها در داخل و خارج ضعیف است، اما مردم لبنان و اردن اکنون سابقه ایالات متحده را بدتر می‌دانند. این یافته نشان‌دهنده وجود روند بزرگ‌تری در داده‌های Arab Barometer است؛ جغرافیا اهمیت دارد. مردمی که در نزدیکی درگیری‌های غزه زندگی می‌کنند و کشورهای آنها در طول تاریخ تعداد زیادی از پناهندگان فلسطینی را در خود جای داده است، کمترین اعتماد را به سیاست‌های خاص ایالات متحده در خاورمیانه ابراز کرده‌اند.

گزارش اقلیت

بررسی‌های ما نشان می‌دهد کاهش حمایت اعراب از ایالات متحده اجتناب‌ناپذیر نبوده و افکار عمومی عربی با حساسیت به تفاوت‌های موجود در سیاست‌های ایالات متحده در قبال مسائل کلیدی در منطقه واکنش نشان می‌دهند. مویدات این گزاره بیشتر از همه در نتایج مربوط به مراکش روشن است -کشوری که از روند تردید فزاینده موجود در خاورمیانه نسبت به سیاست خارجی ایالات متحده تبعیت نکرده است. در سال ۲۰۲۲، ۶۹ درصد از مراکشی‌ها دیدگاه مثبتی نسبت به ایالات متحده داشتند که بالاترین آمار در جهان عرب محسوب می‌شود. این حمایت قوی اخیرا افزایش نیز یافته است؛ بررسی‌های انجام شده توسط Arab Barometer در زمستان ۲۰۲۴-۲۰۲۳ نشان می‌دهد اکنون این میزان به ۷۴ درصد افزایش یافته است. مراکش همچنین تنها کشوری است که جمعیت آن به‌وضوح سیاست‌های امنیتی خاورمیانه‌ای ایالات متحده را با ۱۳ نمره اختلاف بر سیاست‌های چین ترجیح می‌دهند.

تقریبا با قطعیت می‌توان گفت که نقش حمایتی ایالات متحده از مراکش در مناقشه ارضی اخیر این کشور دلیل وضعیت متفاوت افکار عمومی مراکش است. دولت مراکش بخش اعظم صحرای غربی را اداره می‌کند، جایی که جنبشی با حمایت الجزایر به دنبال ایجاد یک کشور مستقل است. تا سال ۲۰۲۰، هیچ کشور عضو سازمان ملل، حاکمیت مراکش را بر این منطقه به‌رسمیت نشناخته بود تا اینکه در آن سال، ایالات متحده ادعای رباط بر حاکمیت بر صحرای غربی را در ازای برقراری روابط مراکش با اسرائیل به رسمیت شناخت. در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ هم دولت بایدن به‌طور ویژه بر این سیاست واشنگتن دوباره صحه گذاشت. نظرسنجی ما از مراکش هم مصادف با سفر بسیار پرهیاهوی جاشوا هریس، دیپلمات ارشد ایالات متحده، به الجزیره و رباط برای تاکید بر این موضع سیاستی واشنگتن بود.

به نظر می‌رسد که سیاست واشنگتن درباره صحرای غربی سبب شده است در مراکش شاهد تکرار روند کاهش محبوبیت آمریکا نباشیم؛ کما اینکه سایر کشورهای غربی که از آمریکا در به‌رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر صحرای غربی پیروی نکردند، دچار کاهش محبوبیت شدند. بین سال‌های ۲۰۲۲ و زمستان ۲۰۲۴-۲۰۲۳، درصد مراکشی‌هایی که اظهار داشتند دیدگاه مثبتی نسبت به بریتانیا دارند از ۶۸ به ۳۰ درصد کاهش یافته که بیشتر از سایر کشورهای مورد بررسی ماست. مراکشی‌ها نسبت به فرانسه هم نگاه نامطلوبی دارند و مطلوبیت این کشور در بین آنها ۱۰ نمره کاهش یافته است. در تمامی کشورهای مورد بررسی، پاسخ‌دهندگان ابراز داشتند کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و نه بازیگران جهانی، بیش از همه متعهد به حمایت از حقوق فلسطینیان هستند. با این حال این دیدگاه به معنای تمایل به اتخاذ بی‌طرفی از سوی واشنگتن یا خروج ایالات متحده از خاورمیانه نیست. افکار عمومی عرب، علی‌رغم خشم خود از سیاست‌های ایالات متحده در قبال غزه، به‌صراحت اعلام کردند که تمایل دارند ایالات متحده در حل بحران اسرائیل و فلسطین نقش داشته باشد.

یکی از پرسش‌های نظرسنجی فشارسنج عرب از پاسخ‌دهندگان می‌پرسید که کدام موضوع باید در رأس دستورکار دولت بایدن در خاورمیانه و شمال آفریقا باشد و هفت گزینه را ارائه می‌دهد؛ توسعه اقتصادی، آموزش، حقوق بشر، زیرساخت‌ها، ثبات، مبارزه با تروریسم، و مساله فلسطین. در سه کشور از چهار کشوری که این سوال در نظرسنجی‌های پس از ۷ اکتبر پرسیده شد، تعداد زیادی از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که بایدن باید مساله فلسطین را، حتی بیش از سایر نگرانی‌های کلیدی پیش‌روی کشورهایشان، در اولویت قرار دهد. درواقع نسبت شهروندان عرب که به این موضوع پاسخ دادند که اولویت اصلی دولت بایدن در منطقه باید مساله فلسطین باشد، طی دو سال گذشته به‌طور چشمگیری افزایش‌یافته است -۲۱ امتیاز در اردن، ۱۸ امتیاز در موریتانی و مراکش و ۱۷ امتیاز در لبنان. همچنین داده‌های ما از تونس نشان می‌دهد این افزایش تقریبا بلافاصله پس از شروع عملیات نظامی اسرائیل در غزه رخ داده است.

جنگ غزه حمایت اعراب از عادی‌سازی روابط با اسرائیل را از سطح پایینی کاهش داده است. با این حال، این بدان معنا نیست که جهان عرب علیه حل‌وفصل صلح‌آمیز بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها مخالفت می‌کند. تحقیقات ما در تونس در ابتدا نشان داد وقوع جنگ در غزه ممکن است باعث کاهش حمایت از راه‌حل دو دولتی شود. درواقع در نظرسنجی‌هایی که بین دسامبر ۲۰۲۳ و مارس ۲۰۲۴ در اردن، موریتانی و مراکش انجام شد، درصد بیشتری از پاسخ‌دهندگان حمایت خود را از راه‌حل دو دولتی نسبت به راه‌حل یک دولت، کنفدراسیون، یا «دیگری» بدون پایان نشان دادند. رویکردی که از این گزینه‌ها در سال ۲۰۲۲ پشتیبانی کرده بود.

قبل از حوادث ۷ اکتبر، به نظر می‌رسید که نظم منطقه‌ای جدیدی در خاورمیانه در حال ظهور است. ازآنجایی‌که برخی از دولت‌های عربی به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل بودند - اولین توافقنامه از این دست در حدود ۳۰ سال گذشته - به‌نظر می‌رسید شکاف اصلی در منطقه نه بین کشورهای عربی و اسرائیل بلکه بین تهران و کشورهایی خواهد بود که در پی مهار تجاوزهای خارجی ایران هستند. یک ائتلاف جدید برای مهار ایران، شامل اسرائیل و کشورهای کلیدی عربی، می‌توانست برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه بسیار سودمند باشد.

البته هنوز هم ایالات متحده بتواند چنین ائتلافی را «سزارین» کند، کمک اردن به اسرائیل در دفع حمله موشکی و پهپادی ایران در ۱۳ آوریل و تصمیم عربستان سعودی و امارات برای ارائه اطلاعات به ایالات متحده قبل از این حمله نشان می‌دهد که رهبران کلیدی عرب همچنان معتقد هستند که همسویی مجدد منطقه‌ای به نفع آنهاست. نظرسنجی‌هایی که ما بعد از ۷ اکتبر انجام دادیم نشان داد محبوبیت ایران در میان مردم اعراب کم است و ۳۶ درصد لبنانی‌ها، ۲۵ درصد اردنی‌ها و تنها ۱۵ درصد کویتی‌ها دیدگاه مثبتی نسبت به تهران دارند.

اما تا زمانی که کاهش حمایت منطقه‌ای از ایالات متحده ادامه داشته باشد، تلاش‌ها برای یک هم‌سویی کامل بین اعراب و اسرائیلی‌ها با مشکل مواجه خواهد شد. پیمان‌های صلح سرد، مانند توافق‌هایی که بین اسرائیل، مصر و اردن منعقد شده‌اند، همیشه در معرض نابودی هستند. ایالات متحده به‌عنوان یک واسطه برای عادی‌سازی این توافقات جایگزینی ندارد. توافقنامه صلح اسرائیل با مصر و اردن عمدتا به دلیل کمک‌های عظیم ایالات متحده به این دو کشور عربی محقق شد. قراردادهای عادی‌سازی در نیم دهه گذشته هم به وعده‌های ایالات متحده برای رسیدگی به نگرانی‌های کشورهای عربی، ازجمله به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر صحرای غربی، حذف سودان از فهرست کشورهای حامی تروریسم و فروش جت‌های جنگنده F-۳۵ به امارات وابسته بوده است.

در شرایط پس از ۷ اکتبر، از دست دادن حمایت شهروندان عرب نه‌تنها به معنای به خطر انداختن حمایت رهبران عرب است، بلکه ثبات داخلی متحدان اصلی عرب ایالات متحده را نیز به خطر خواهد انداخت. خشم ناشی رنج فلسطینیان از پیش‌تر به خیابان‌ها سرازیر شده است. در اردن، اعتراضات سبب شده است تا «پروژه رفاه» توافقنامه مورد حمایت امارات و ایالات متحده بین اردن و اسرائیل در زمینه آب و انرژی از مسیر خود خارج شود. رژیم‌های عربی پس از همکاری با اسرائیل و ایالات متحده برای مقابله با حمله ایران، به دلیل ترس از برافروخته شدن بیشتر خشم شهروندان‌شان، در مورد نقش خود سکوت کرده‌اند. ایالات متحده باید تلاش کند تا فشار عمومی را که دولت‌های عربی برای همکاری با اسرائیل برای مقابله با نفوذ ایران احساس می‌کنند، کاهش دهد.

خاورمیانه در نقطه حیاتی قرار دارد و ایالات متحده روی کاغذ در موقعیت خوبی برای استفاده از اهرم‌های خود برای نیل به آتش‌بس در غزه و کمک به حرکت اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها به سمت صلح قرار دارد. با این حال، برای بازگرداندن اعتبار منطقه‌ای خود، ایالات متحده باید گام‌های عینی و عمل‌گرایانه‌ای به سمت راه‌حل دو کشوری بردارد و مشخص کند حکمرانی موثر پس از جنگ در غزه چگونه خواهد بود و اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها برای پیشرفت به‌سوی صلح باید چه اقداماتی انجام دهند. رهبران اسرائیلی باید در این میان مسئول شناخته شوند. ایالات متحده نه‌تنها باید از مذاکرات صلح حمایت کرده، بلکه باید بر توقف گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در کرانه باختری نیز پافشاری کند.

اعراب برای مدت طولانی تصور کرده‌اند ایالات متحده برای تامین منافع خود و رهبران عرب متحدشان پیش از منافع شهروندان عادی تلاش می‌کند، حتی در شرایطی که شهروندان عرب به دنبال حمایت بیشتر از تلاش‌های منتج به دموکراتیزه شدن و مبارزه با فساد هستند. علاوه‌بر این، یک رویارویی دیگر میان ایران و اسرائیل ممکن است به‌اندازه رویارویی که در آوریل ۲۰۲۴ رخ داد، عمل‌گرایانه نبوده و مخرب باشد. ایالات متحده باید تلاش کند تا اعتماد اعراب را برای مهار ایران، نه‌تنها به‌صورت مخفیانه، بلکه با سیاست‌های علنی، شجاعانه و موثر جلب کند.

شرایط کنونی خطرات و فرصت‌هایی را برای ایالات متحده فراهم می‌کند. در بیشتر کشورهای عربی معادل مستقیمی برای مساله صحرای غربی در مراکش وجود ندارد؛ اما نمونه مراکش روشن می‌کند وقتی شهروندان عرب احساس کنند که ایالات متحده از منافع آنها دفاع می‌کند، قضاوت مطلوب‌تری درباره آن خواهند داشت. خطرات ناشی از عدم توجه به کاهش حمایت اعراب از ایالات متحده فراتر از غزه است. بدون تغییر قابل‌توجهی در حمایت ایالات متحده از جنگ اسرائیل و بدون تغییرات هوشمندانه در سیاست ایالات متحده برای کند کردن احساسات ضدآمریکایی فزاینده در میان اعراب، بازیگرانی دیگر -ازجمله چین- به تلاش خود ادامه خواهند داد تا ایالات متحده را از نقش رهبری در خاورمیانه خارج کنند.